

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰/۰۸/۲۶

در افغانستان چه می گذرد؟

(۸۳)

۳۰ کشته از یک کمپنی امنیتی:

روز شام پنجشنبه تاریخ ۱۹ اگست نیرو های طالب بر چند پوسته امنیتی یک کمپنی امنیتی در ولسوالی گرشک ولایت هلمند حمله کردند. درین حمله ۳۰ نگهبان این کمپنی کشته و ۱۹ تن آنان زخمی شدند و چندین پوسته این کمپنی به وسیله طالبان تصرف شدند. این حمله در محل «میرمندان» به وقوع پیوست. طالبان درین حمله هفت پوسته این کمپنی را به آتش کشیدند و هفت قومندان این پوسته ها را با سه میل زیکویک و سه میل دهشکه و ۱۵ میل پیکا با یک تعداد موتر گرفتند. تلفات و دستگیری افراد این پوسته ها در اثر یک زد و بند درونی بوده است. این تبانی طالبان با صد تن از افراد این کمپنی بوده که جدیداً مقرر شده و معلوم میشود که طالبان این افراد را به صورت نفوذی وارد پوسته های این کمپنی نموده بودند.

این کمپنی که به نام کمپنی خوشحال (تی سی سی) یاد میشود، مسؤولیت امنیت کار یک شرکت سرکسازی را در مسیر گرشک – ولسوالی سنگین به عهده داشت و درین عملیات طالبان برخی از بلدوزر ها و ماشین های ریگریشن این کمپنی سرکسازی را نیز به آتش کشیدند. طالبان با این درگیری ادعای کشتن ۵۲ تن از افراد این کمپنی امنیتی را کرده اند. اما قومندانی امنیه هلمند قتل سی نفر را تأیید مینماید.

۲۷ زندانی آزاد شد:

نیرو های دولتی با نیرو های آیساف به تاریخ ۱۷ اگست طی یک عملیات بریک زندان طالبان حمله کرده و ۲۷ نفر را نجات دادند. این حمله که قبلاً سازماندهی و محل زندان مشخص شده بود، برق آسا انجام گرفت. زندان در ولسوالی موسی قلعه در میان قریه های شیر غازی و طالب جان قرار داشت و مربوط به یک قومندان طالب به اسم ملا قیوم «تنده» بود. طالبان با رسیدن قوای حمله کننده ۵ تن از زندانیان شان را کشته و بربدن زندانی های دیگر

آثار عمیق شکنجه دیده میشود که از مدتی به اینسو آنها را شکنجه میکردند و اما اینکه جرم این زندانی ها چه بوده تا حال چیزی گفته نشده است. درین حمله ۱۳ تن از طالبان حافظ این زندان نیز به قتل رسیده اند. به گفته زندانیان رها شده، چند روز قبل درین زندان بین ۶۰ تا ۷۰ نفر زندانی بوده اند، اما اینکه طالبان افراد دیگر را کشته و یا رها کرده بودند، این زندانیان معلومات نداشتند. در افغانستان طالبان و نیرو های خارجی زندان های بسیاری در اختیار دارند که در آنها مخالفان خود را نگهداری میکنند و هر نوع شکنجه ای که دل شان بخواهد ازین اسیران شان دریغ نمیورزند و به این خاطر افغانستان به وسعت کل کشور برای افغانها زندانیست ، چون بخشی از خاک افغانستان در کنترل طالبان و برخی در کنترل خارجی ها قرار دارد.

دولت افغانستان ده هزار پولیس محلی استخدام میکند:

منیر منگل معین امنیتی وزارت داخله دولت پوشالی از استخدام ده هزار نفر پولیس محلی خبر میدهد. وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی به رسانه ها اعلان کرد که دولت افغانستان به حمایت نیرو های خارجی در صدد ایجاد یک پولیس ده هزار نفری محلی است. این پولیس بیشتر برای حفاظت قراء و قصابات افغانستان ساخته میشود و افراد آن به وسیله وزارت داخله آموزش می یابند و زیر اداره و نظارت وزارت داخله به کار ادامه میدهد. منیر منگل می گوید که این کار در ولایات وردک و ارزگان آغاز شده است و در هر جایی که ضرورت آن موجود باشد، در همانجا ساخته خواهد شد.

این گروه مسلح که ظاهراً پولیس محلی نام گرفته، در حقیقت همان اربکی و ملیشه سازی است و به خاطری آنرا پولیس محلی نام میدهند که مردم در برابر اربکی و ملیشه شدیداً نفرت دارند و از ملیشه چیزی جز جنایتکاران دوستی در ذهن مردم تداعی نمیگردد. ساختن این پولیس محلی ابتداء به وسیله دیوید پتریوس قومندان عمومی نیروهای ناتو و امریکا در افغانستان پیشنهاد شد و ظاهراً کرزی با آن مخالفت کرد، اما به زودی آنرا پذیرفت و برای ساختن آن فرمانی صادر کرد. دیوید پتریوس به مجردی که به افغانستان آمد، اعلان کرد که از تلفات زیاد نیرو های امریکائی در افغانستان جلوگیری خواهد کرد و این طرح را برای جنگاندن خود افغانها در برابر طالبان مطرح ساخت ، کاریکه اینک آغاز شده است.

انحلال کمپنی ها امنیتی خصوصی:

کرزی که خود را در مورد کار کمپنی های امنیتی خصوصی در افغانستان بسیار عصبی نشان میدهد و انحلال آنرا می خواهد، بعد از آنکه جان کری رئیس کمیته روابط خارجی امریکا به افغانستان آمد و با کرزی ملاقاتی داشت و از فساد اداری در دولت افغانستان نام برد، کرزی فرمای آن فرمانی داد که کمپنی های امنیتی خارجی و داخلی در ظرف چهار ماه در افغانستان لغو گردد. در حال حاضر در افغانستان ۵۲ کمپنی امنیتی وجود دارد که ۲۶ کمپنی آن خارجی و ۲۶ کمپنی دیگر داخلی میباشند و در مجموع چیزی حدود ۵۰ هزار مسلح در اختیار دارند و گرچه آمار رسمی تعداد افراد این کمپنی ها را ۲۳ هزار نفر میگویند، اما حقیقت آنان بیش از ۵۰ هزار مرد مسلح میباشند. جان کری به مجرد اعلان چهار ماه کرزی دوباره به کابل آمد و بعد گفته شد که جان کری با کرزی به توافق رسیده است.

سیامک هروی معاون سخنگوی کرزی در یک برنامه مستقیم رادیو کلید اظهار داشت که کرزی انحلال کمپنی های داخلی را خواسته و کمپنی های امنیتی خارجی در صورتیکه افراد مسلح خود را از میان افغانها برگزینند می توانند

به کار شان ادامه دهند. این چیزی بود که این کمپنی ها خواستار آن بود و حال کمپنی های خارجی تمام افراد کمپنی های داخلی را استخدام کرده و در خدمت میگیرند و تمام قرار داد ها را برای رساندن مواد لوژستیک در ۲۰۰ مرکز امریکائی ها آنان به دوش میگیرند. افراد خارجی این کمپنی ها چند برابر افراد داخلی پول میگرفتند و حال با استخدام داخلی ها مصرف این کمپنی ها بسیار کم میشود و عاید آن ها افزایش می یابد.

در افغانستان ۱۵ کمپنی امنیتی خصوصی امریکائی و ۱۲ کمپنی امنیتی انگلیسی وجود دارند و افرادی چون برادر فهیم ، برادر کرزی، پسر رحیم وردک وزیر دفاع و پسر مجددی با کمپنی های خصوصی امنیتی خارجی سهم میباشند و در صورتیکه کمپنی های داخلی منحل شوند اینان هیچ ضرری نمیکند. برگشت جان کری از اسلام آباد به کابل در حقیقت آماده کردن کار کمپنی های امنیتی خصوصی خارجی بود که کرزی به زودی آنرا قبول کرد و حال تا چهار ماه کمپنی های خصوصی امنیتی داخلی منحل خواهد شد و درین جریان کرزی منافع بادران خارجی خود را تقویت کرد.

کشته شدن هفت طالب در فراه:

شام روز جمعه تاریخ ۲۰ اگست در حالیکه یک موتر سراچه با هفت طالب خواستند تا از قریه نعلدشت و لسوالی خاکسفيد ولایت فراه بیرون شوند، توسط هلیکوپتر های نیروی ناتو شناسائی شده و طی بمباران دقیق هر هفت تن طالب به قتل رسیدند. این منطقه یکی از مناطق نا امن ولایت فراه به حساب می آید و نیرو های امریکائی به این خاطر که ولایت فراه با ایران ۲۶۳ کیلومتر سرحد مشترک دارد بسیار حساس میباشند و از یکسال به این سو که مداخلات ایران در افغانستان افزایش یافته است، امریکائی ها درین منطقه امنیت را حاکم نموده و حال گشت و گذار در اکثر ولسوالی های فراه بی خطر طالبان میباشد. این نشان میدهد که اگر امریکائی ها بخواهند که نیرو های مزدور طالب را سرکوب کند به اندازه خوردن آب برای شان آسان میباشد، اما چون تا حال ستراتیژی آنها ایجاب میکند که در افغانستان جنگ و درگیری باشد، چنین اقدامی نمیکند.

قحطی به افغانستان می آید:

مردم افغانستان از بیکفایتی دولت پوشالی افغانستان به شدت شاکي اند، چون درین روز ها خود را در برابر قحطی میبینند که فقط در سال ۱۳۴۹ آنرا تجربه کرده بودند. علوئاً ماه رمضان هم از ماه های است که مردم با نرخ های بلند رو به رو می شوند. هر سال در ین ماه قیمت اشیای خوراکی در بازار های افغانستان بلند می رود و تاجران چند هفته قبل از آغاز این ماه دست به احتکار می زنند و چون مردم درین ماه خود را مجبور به خرید مواد ارتزاقی خاصی میبینند که تا هم روزه گرفته و هم کار کرده بتوانند، لذا موادی می خرنند که قبل و یا بعد ازین ماه آنها را نمی خرنند و به این صورت مردم در ین ماه با پرابلم خرید اشیای خوردنی روبه رومی شوند، امسال پیشبینی می شود که در چند هفته آینده قیمت آرد و گندم در بازار های افغانستان به شدت بالا خواهد رفت و از حالا یک بوری آرد ۱۴ سیره که چند روز قبل به ۹۵۰ افغانی سودا می شد، به ۱۳ صد افغانی رسیده و ازین بابت مردم وارخطا هستند و به خرید آرد و ذخیره کردن آن می پردازند.

یکی از دلایل اصلی بلند رفتن قیمت آرد و گندم، جاری شدن سیل در پاکستان است که ۱۶ میلیون نفر در آن کشور بی خانمان شده و هزاران هکتار زمین زیر کشت گندم، نابود گشته و به این صورت پاکستان در آینده نزدیک به کمبود شدید غله و آرد مواجه خواهد شد. این در حالیست که پاکستان در سالهای اخیر یکی از منابع مهم و عمده

صدور گندم به افغانستان بوده است. قبل از جاری شدن سیل در پاکستان و به بار آوردن این همه ویرانی، هفته دوصد هزار تن آرد از این کشور وارد افغانستان می شد، اما این مقدار اکنون به چهل هزار تن در هفته کاهش یافته است و با ادامه وضعیت اضطراری کنونی در آن کشور، این مقدار نیز به زودی و به شدت کم خواهد شد. علو تأ در اثر آتش سوزی های که امسال در فدراتیف روسیه اتفاق افتاد و مزارع زیاد آن کشور از میان رفته، این کشور حال تصمیم دارد تا ذخایر استراتژی یک گندم خود را از کشور های آسیای میانه تأمین کند و لذا این کشور ها نیز امسال قادر به صدور آرد و گندم به افغانستان نخواهند شد. یکی از کشور هایی که در سال های اخیر صادرات آرد به افغانستان داشته، ایران است. تاجران افغان و ایرانی درین سال ها مقدار وافر آرد به افغانستان آورده و کمبود آرد را در بازار های کشور مرفوع می کردند، اما امسال ایران نیز به کمبود آرد مواجه بوده و اینک با ترکمنستان قرار داد خرید آرد را کرده است و به این ترتیب علاوه به اینکه افغانستان در سال روان قادر به ورود آرد از ایران نخواهد شد، از ورود آرد از ترکمنستان هم محروم خواهد گشت. به این صورت دیده می شود که کشور ما از بازار های منطقه آرد مورد ضرورت خود را وارد کرده نتوانسته و حتی گمان می رود که افغانستان با قحطی آرد و گندم رو برو خواهد شد و چون کسی به این دولت و اداره فاسد آن باور ندارد که بتواند چنین قحطی را مهار کند و نیرو های اشغالگر هم در افغانستان کوشش میکنند تا مردم افغانستان را بیشتر گرسنه و فقیر نگهدارند، تا دست شان به این نیرو ها دراز باشد، لذا هیچ تلاشی درین زمینه از سوی این کشور ها در افغانستان وجود ندارد.

کشور هندوستان که روابط بسیار نزدیک با دولت پوشالی افغانستان دارد، درین روز ها دوصد هزار تن گندم به افغانستان کمک کرده است، اما از جایی که پاکستان اجازه عبور این محموله را از طریق خاک خود به افغانستان نمی دهد و دولت افغانستان نیز که کوچکترین غمی از فقر مردم ندارد، تا حال راهی برای ورود این همه غله به داخل کشور پیدا نکرده است، لذا نمی توان به این مقدار غله کمکی امیدوار بود که در وقت معین به افغانستان برسد. این نارسائی دولت در امر آوردن این محموله به داخل کشور نشان می دهد که از نظر مدیریتی این دولت چقدر بی کاره و فاسد است که اگر نمی بود، پوشالی گفته نمیشد و در صورت حادث شدن وضعیت اضطراری از نظر کمبود غله، معلوم است که این مدیریت فاسد قادر به حل کوچکترین مشکل مردم نخواهد شد. ارزیابی ها نشان میدهد که ۸۳ درصد غذای مردم افغانستان را نان گندم تشکیل میدهد و به این خاطر افغانها هر سه وقت غذا را نان می نامند. در صورتیکه این نان به مردم نرسد، همه گرسنه خواهند ماند. در بعضی نقاط فقرزده کشور بسیاری از مردم در طول روز فقط به خوردن نان گندم بسنده کرده و خود را سیر احساس می کنند، اما اگر به کمبود این نان روبه رو شوند، پس مردم احساس گرسنگی و قحطی می نمایند. مطمئناً کمبود نان گندم در افغانستان بر نرخ غله های دیگر مثل برنج، جو و جوار نیز اثر گذار خواهد بود. پس اگر به این کمبود توجه نشود نمی توان از راه مصرف غله های دیگر مشکل گرسنگی مردم افغانستان را حل کرد. بسیاری از کشور های جهان ذخیره گاه های استراتژی یک مواد غذایی در اختیار دارند که اگر در وضعیت ناهنجار و کمبود مواد غذایی رو به رو شدند، ازین ذخیره گاه ها استفاده می کنند. اما در افغانستان اشغالی چنین ذخیره گاه های یا وجود ندارد و یا اگر دارد، بسیار کم و ضعیف می باشند که در مواقع قحطی نه کسی آن را در خدمت مردم قرار میدهد و نه پاسخگوی بخش کوچکی از نیاز های مردم افغانستان میباشد.

با اینکه در دو سالی که گذشت، تولید گندم در هر سال در افغانستان از مرز چهار ملیون تن گذشت که این مقدار میتواند مردم افغانستان را ازین منظر در خود کفائی قرار دهد، اما از جائیکه درین زمینه مدیریتی وجود ندارد، لذا این توزیع به صورت درست صورت نگرفته و از حالا نشانه های ازین کمبود دیده می شود و با کم شدن ورود آرد

به بازار های کشور به زودی نرخ ها بالا میروند و کمبود غله خود را به نمایش می گذارد. با اینکه در سال های اخیر اعلان می شد که افغانستان در بلند ترین سطح تولید قرار دارد، اما باز هم در زمستان ها ولایاتی چون بادغیس و غور به کمبود غله رو به رو بوده، سال گذشته اعلان شد که در غور توده های مردم برگ درخت می خورند و برای زنده ماندن علف های کوهی تناول می کنند. چون در آن موقع هم از نظر سردی و برفریزی و هم از نظر امنیتی این راه ها دچار پرابلم های جدی می شوند، لذا انتقال مواد غذایی از جمله آرد و برنج درین مناطق با ممانعت های جدی رو به رو شده، مردم با قحطی رو به رو می شوند. در دنیای امروز و مخصوصاً در افغانستانی که سالانه ملیارد ها دالر از درک کمک های بین المللی به آن سرازیر می گردد، پناه بردن مردم جهت رفع گرسنگی و فرار از مرگ به علف کوهی و برگ درختان شرم و خجالت بزرگی است که باید بر پیشانی مقامات دولتی عرق سردی سرازیر گردد.

با اینکه درین چند روز رسانه های همگانی از وضعیت بد بعدی مواد غذایی و حتی قحطی خبر می دهند و مردم با تشویش به دکانها شتافته به خرید آرد و ذخیره کردن آن آغاز کرده، اما هیچ مقام دولتی تا حال درین رابطه اظهار نظری نکرده و برای مردم از هیچ درکی خاطر جمعی ارائه نمی کنند که این خود از فرو رفتن مقامات دولتی در فساد و بی تفاوتی و رفتن در خواب خرگوشی حکایت می نماید. وقتی در جریان زمستان خبر می رسد که مردم مثلاً فلان منطقه برفگیر با قحطی و مرگ رو به رو هستند، در آن وقت کمیته حالات اضطراری و مقامات دیگر دست اندرکار، ظاهراً تلاش کرده و سرو صدا خلق می کنند و کمیسیون تشکیل می دهند تا به مردم چیزی برسد، اما این چیز ها در راه و نیمه راه توسط افراد فاسد این اداره حیف و میل میشود. اما حالا که موقع هر گونه رساندن کمک به چنین مناطقی هست و رسانه ها پیوسته هوشدار باش های خود را تکرار می کنند، نه تنها چرت این مقامات خراب نیست که از جواب دادن به پرسش های خبرنگاران نیز طفره میروند.

موشکباران غزنی:

شهر غزنی که از هفته ها به این سو تقریباً هر شب مورد حمله موشکی قرار داده میشود، روز ۲۴ اگست مورد حمله شدید موشکی قرار گرفت و هشت موشک بر این شهر پرتاب شد که یکی از آنها به دفتر ولایت، یکی بر دفتر کمیسیون تحکیم صلح و دو تای دیگر هم در مرکز شهر برخورد کردند و درین روز مردم شهر غزنی تا ساعات های ده صبح جرأت بیرون شدن از خانه های خود را نداشتند. چون این موشکها صبح وقت زمانیکه هنوز مامورین به دفتر نرفته بودند شلیک شد که در نتیجه تلفات کم بود و یک نفر زخمی شد. از چند روز به این سو که عملیات شمشیر به کمک نیرو های پولندی و اردوی دولت پوشالی درین ولایت به راه افتاده و چهار ولسوالی را زیر حمله قرار داده اند، فقط ۵ طالب کشته و هفت تن دیگر دستگیر شدند، در حالیکه در هر یکی ازین ولسوالی ها صد ها طالب وجود دارند و حال که گویا عملیات شمشیر به پایان رسیده، بار دیگر طالبان به این چهار ولسوالی برگشته و شهر را همواره مورد حملات موشکی قرار میدهند.